

عضو هیئت علمی و مدیر گروه فلسفه

محمد سوری

مشخصات: محمد سوری عضو هیئت علمی و مدیر گروه فلسفه پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مدارج علمی

حوزوی

مقدمات: قم، مدرسه علمیه رسالت، ۱۳۶۷-۱۳۶۹؛ مدرسه علمیه معصومیه، ۱۳۷۰-۱۳۷۲.

سطح: قم، استاد علی محمدی و استاد سیدرسول موسوی تهرانی، ۱۳۷۳-۱۳۷۹.

خارج: آیه‌الله مکارم شیرازی، آیه‌الله صالحی مازندرانی.

دانشگاهی

کارشناسی: رشته الهیات و معارف اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹.

کارشناسی ارشد: رشته دین‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.

دکتری: رشته کلام گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی، دانشگاه قم، ۱۳۹۲.

کتاب‌های منتشر شده

۱. ابن عربی میراث‌دار پیامبران، ویلیام چیتیک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳، ترجمه از انگلیسی.

۲. علم التصوف، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱، تصحیح و تحقیق.

۳. مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۸، تصحیح و تحقیق.

۴. اخلاق مسیحی، رالف مکینرنی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، ترجمه از انگلیسی.

۵. تجربه عرفانی و اخلاقی، نوشته گری هرد، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۲، ترجمه از انگلیسی.

مقالات منتشر شده

۱. «تباهی اخلاق عربی به وسیله میراث صوفیانه و پیوند تصوف و تشیع: بررسی و نقد ادعاهای محمد عابد جابری»، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی (در نوبت انتشار).
۲. «نفس در قرآن از دیدگاه حکیم محمد بن علی ترمذی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم (در نوبت انتشار).
۳. «جعفر خلدی؛ صوفی ناشناخته مکتب بغداد»، دوفصلنامه علمی پژوهشی جاویدان خرد، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۴. «نقد و بررسی مسئله رنج در نظریه معنویت و عقلانیت»، فصلنامه علمی پژوهشی نقد و نظر، سال بیست و یکم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۷۷-۹۷.
۵. «واکاوی متون زهد و بررسی ارتباط مشایخ صوفیه با امام کاظم (ع)»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲، شماره مسلسل: ۵۳، ص ۱۵۳-۱۷۰.
۶. مقاله دانشنامه‌ای «سکینه در عرفان اسلامی»، در دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی (در دست انتشار).
۷. «ابوالحسن سیرجانی و کتاب بیاض و سواد»، نصرالله پورجوادی، آینه پژوهش، شماره ۱۳۳، سال ۲۳، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۶۵-۷۳، ترجمه از انگلیسی.
۸. مقالات دانشنامه‌ای: «خوف و رجاء»، «خواطر»، «خشوع»، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۵ و ۱۶، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۹۰.
۹. «شیوه سازواره انتقادی در تصحیح نسخه‌های خطی»، در فصلنامه علمی تخصصی پژوهش، سال دوم، شماره اول، شماره پیاپی: ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۲۷-۳۷.
۱۰. «بیان الفرق بین الإلحاد و الزندقه و التعطیل و بین دقائق التوحید»، جاویدان خرد، سال ۱، ش ۲، ۱۳۸۸ش، ص ۴۳-۵۷، تصحیح و تحقیق.
۱۱. «حکیم ترمذی و نظریه ولایت»، معارف عقلی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵، ص ۸۵-۱۰۴.
۱۲. «داستان هبوط آدم در رُوح الأرواح سمعانی»، ویلیام چیتیک، طلوع نور، سال ۴، شماره ۱۵، ص ۱۳۳-۱۵۰.

۱۳. «تأملی در باب جاودانگی»، مایکل سوان، معرفت، سال ۱۳، شماره ۳، خرداد ۱۳۸۳ش، ص ۲۳-۳۲.

“ Ibrahim, Man of Faith: A Shi'a Perspective”, in Catholics and Shi'a in Dialogue: Studies in Theology and Spirituality, London: Fox Communications and Publications, ۲۰۰۴, pp. ۳۰۰-۳۰۷.

شرکت در همایش‌ها

۱. «همایش بزرگداشت عارف بزرگ حضرت شیخ ابوالقاسم گرگانی»، تهران، پژوهشکده هنر و معماری، چهارشنبه ۷ و ۸ خرداد ۱۳۹۳، عنوان سخنرانی: «تصویر امامان شیعه در متون عرفانی نخستین».

۲. «همایش بین‌المللی نفس و بدن و آموزه‌های دینی»، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۷-۱۸ اسفند ۱۳۸۹، عنوان مقاله: «نفس در قرآن از دیدگاه حکیم ترمذی».

۳. «همایش گفتگوی شیعه و کاتولیک»، انگلستان (لندن و یورک)، تیر ۱۳۸۲، عنوان مقاله: "Ibrahim, Man of Faith: A Shi'a Perspective"

راهنمایی پایان‌نامه (مقطع دکتری)

«امامت و ولایت از دیدگاه سیدمحمد نوربخش»، سیدشمس‌الدین موسوی، جامعه المصطفی العالمیه (قم)، (در دست تدوین).

راهنمایی پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)

۱. «تحقیق و تصحیح ثلث نخست کتاب أنس المنقطعين إلى عبادة رب العالمين از المعافا بن إسماعيل موصلي (۵۵۱-۶۳۰)»، طاهره فیضی باشکند، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳.

۲. «بررسی منابع سلسله نوربخشیه»، ظفرحسین مندیق، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۳.

۳. «بررسی طریقت مجددیه از پیدایش تا امروز با نگاهی به مجددیه افغانستان»، سیدجمال‌الدین موسوی، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۲.

۴. «مقایسه اندیشه‌های کلامی شیعه اثناعشری و اندیشه‌های کلامی علویان سوریه با تأکید بر آرای سیدمرتضی عسکری و محمد علی اسیر»، سیده کلثوم علوی، دانشگاه قم، (در دست تدوین).

مشاوره پایان‌نامه کارشناسی ارشد

۱. «بررسی آرای کلامی سیدمحمد نوربخش»، محمد یونس، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۲.

۲. «جعفر خلدی صوفی متشیع»، محمود سوری، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.

کسب رتبه

۱. شایسته تقدیر در کتاب سال دانشجویی به سبب کتاب علم التصوف، آبان ۱۳۹۲.

۲. شایسته تقدیر در کتاب سال دانشجویی به سبب کتاب مجموعه آثار ابو عبدالرحمان سُلَمی، ۱۳۸۹.

۳. پژوهشگر نمونه در مرکز پژوهشی دایرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، ۱۳۸۷.

زبان‌ها

فارسی، عربی، انگلیسی، آلمانی (مبتدی)

عنوان طرح پژوهشی: چیستی عرفان شیعی: نگاهی تاریخی به رابطه عرفان با تشیع

توضیح: عرفان حقیقتی است که برخی از متفکران آن را گوهر دین به شمار آورده‌اند و گاه یکی از دلایل اصالت دین را این دانسته‌اند که از بُعد عرفانی برخوردار باشد. در اسلام گرایشی عرفانی به وجود آمده است که با نام «عرفان اسلامی» شناخته می‌شود، ولی بیشتر عرفا از نظر کلامی و فقهی جزو شیعیان به شمار نمی‌روند و به‌طورکلی عرفان ریشه در تفکر اصحاب حدیث و اشاعره دارد. به همین سبب، بسیاری از عالمان شیعه با عرفان اسلامی نه تنها موافقت نداشته‌اند، بلکه در مواردی به رد آن نیز همت گماشته‌اند. ایشان علاوه بر بحث‌های نظری مخالفت خود با عرفان را به امامان و احادیث منسوب به ایشان و نیز به سیره علمای قدیم شیعه مستند می‌کنند.

البته گویا در میان عالمان شیعه، اعم از موافقان عرفان و مخالفان آن، این مسئله مورد توافق است که مکتب تشیع در بحث عرفان - همچون دیگر مباحث فکری از قبیل فقه و کلام و تفسیر - وامدار دیگر مکاتب نیست. به عبارت دیگر، ایشان بر این باورند که تشیع خود دارای عرفان است؛ همان‌طورکه دارای فقه و کلام و تفسیر است. حال پرسش مهمی که در اینجا می‌توان مطرح کرد این است که ویژگی‌ها و مؤلفه‌های این عرفان، که می‌توان آن را «عرفان شیعی» نامید، چیست و ربط و نسبت آن با عرفان اسلامی مصطلح چگونه است.

پرسش از چیستی عرفان شیعی و نسبت عرفان مصطلح با اندیشه‌های شیعی در سال‌های اخیر بروز و ظهور بیشتری پیدا کرده و پررنگ‌تر شده است. همچنین گرایش روزافزونی که امروزه در میان جوانان به

عرفان‌های نوظهور و انحرافی وجود دارد، ضرورت بحث از عرفان شیعی را دوچندان کرده است. نکته دیگری که ضرورت این بحث را نشان می‌دهد این است که بی‌تردید در حوزه گرایش به اسلام در دوره معاصر عرفان بیشترین نقش را داشته است، هرچند نمی‌توان پنهان کرد که بخش عمده مباحثی که از عرفان اسلامی در جهان غرب مطرح شده است، از نوع عرفان شیعی - به هر معنایی از عرفان شیعی که در نظر داشته باشیم - نیست. با این حال، اصل این گرایش نشان از آن دارد که لازم است برای گسترش مکتب نورانی اسلام تا حد امکان بر عرفان تأکید کرد. هدف ما در طرح حاضر این است که با نگاهی تاریخی، نسبت عرفان اسلامی با تشیع را بررسی کنیم. با توجه به اینکه این بحث بسیار پردامنه خواهد بود در گام آغازین به نسبت عرفان و تشیع در دو مکتب قم و بغداد خواهیم پرداخت و در گام‌های بعدی به مکاتب دیگر اندیشه شیعی، از قبیل مکتب حله و اصفهان، روی خواهیم آورد.